

عنوان مقاله:

بررسی آموزه های ایدئولوژیک در پاره ای از آثار ادبیات کودک ایران در گروه های سنی «د» و «ه»

محل انتشار:

دوفصلنامه تفکر و کودک، دوره 4، شماره 8 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

زهرا حامدی شیروان - دانشجوی دکتری زبان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

شهلا شریفی - دانشیار گروه زبان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

در این پژوهش سعی شده است عقاید، نگرش ها، و ایدئولوژی هایی بررسی شود که نویسندگان از طریق کتاب های خود به کودکان و نوجوانان منتقل می کنند. از این رو، تلاش شده است مشخص شود مفاهیم، عقاید، نگرش ها و ایدئولوژی های موجود در کتاب های دینی کودکان و نوجوانان کدامند؟ و این ایدئولوژی ها و مفاهیم از طریق چه ساختارهای زبانی در کتاب های کودکان بیان و به آن ها منتقل می شوند؟ در این پژوهش از رویکرد تامپسون (۱۹۹۰) استفاده شده است که پنج روش کلی عملکرد ایدئولوژی مشروع سازی، پنهان سازی، یکی سازی، پراکنده سازی، و چیزوارگی به همراه تعدادی راهبرد ترسیم نمادین متناسب با آن ها را بیان می کند. همچنین برای تحلیل ساختارها در متون از مفاهیم مطرح شده در دستور نقش گرای هلیدی نیز بهره گرفته شده است. نمونه بررسی شده شش داستان مربوط به گروه های سنی «د» و «ه» است که جزو داستان های دینی محسوب می شوند. روش پژوهش توصیفی تحلیلی است. ازجمله یافته های این نوشتار این است که نویسندگان در کتاب های بررسی شده، برای بیان و آموزش مفاهیم دینی و معنوی، گاهی از روایت سازی و بیان روایی و داستانی و گاهی از عقلانی سازی و آوردن مجموعه ای از دلایل عینی و مشاهده پذیر برای بیان این مسائل استفاده کرده اند؛ آن ها همچنین از راهبردهای افتراق و همگانی سازی نیز بهره برده اند. مسائلی چون عقوبت گناه و مجازات، به علت ناخوشایند و منفی بودن، با راهبرد مجهول سازی بیان شده اند و گاهی نیز از حسن تعبیر و استعاره و پنهان سازی برای بیان مسائل دردناک استفاده شده است.

کلمات کلیدی:

ایدئولوژی، رویکرد تامپسون، ادبیات کودک و نوجوان، دستور نقش گرای هلیدی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1543829>

